

وحی و تجربه دینی

نقدی بر نواندیشان دینی درباره وحی

www.ketab.ir



تألیف: دکتر علی اکبر ضیائی



- سرشناسه : ضیائی، علی اکبر، ۱۳۴۳ -
Ziyai, Ali Akbar
- عنوان و نام پدیدآور : وحی و تجربه دینی: نقدی بر نواندیشان دینی درباره وحی/تالیف علی اکبر ضیائی.
- مشخصات نشر : تهران: انتشارات بین المللی امین، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۱۱۴ ص.
- شابک : 978-622-6040-26-6
- وضعیت فهرست نویسی : ف
- یادداشت : کتابنامه: ص ۱۱۳ - ۱۱۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.
- عنوان دیگر : نقدی بر نواندیشان دینی درباره وحی.
- موضوع : روشنفکران دینی -- دیدگاه درباره وحی
- موضوع : -- Views on revelationIntellectuals, Religious*
- موضوع : تجربه دینی
- موضوع : Experience (Religion)
- موضوع : وحی
- موضوع : Revelation
- موضوع : وحی -- اسلام
- موضوع : Revelation -- Islam
- رده بندی کنگره : BP۲۲۰/۳
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۲۵۹۷۸
- اطلاعات رکورد : فیبا
- کتابشناسی :



نام کتاب: وحی و تجربه دینی: نقدی بر نواندیشان دینی درباره وحی

تألیف: دکتر علی اکبر ضیائی

چاپ اول ۱۴۰۰

طرح جلد: عطاء اللہ عباسی

۵۰۰ نسخه

۱۱۴ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۰-۲۶-۶

همه حقوق این کتاب متعلق به انتشارات بین المللی امین است.

۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۳	تجربه دینی و عصب شناسی مدرن
۱۶	مکان یابی تجارب دینی در مغز
۱۹	مکاشفه و الهام در سنت عرفانی
۲۵	موقعیت مکاشفه در مرز دو جهان مادی و غیر مادی
۴۱	تأویل مجمع البحرین نزد حکمای مسلمان
۴۵	بررسی دیدگاه نواندیشان دینی درباره تجربه دینی
۴۹	الهام گرفتن نواندیشان دینی از مولوی
۵۱	قوه تخیل و نقش آن در تجربه دینی
۵۳	غزالی و نقد نظریه رؤیای رسولانه
۵۵	تمثل حقایق شهودی
۶۳	نقد نواندیشان دینی نسبت به دیدگاه فلاسفه
۶۵	تحلیل آگاهی در انسان و جهان از منظر نواندیشان دینی
۶۵	آگاهی مفهومی
۶۶	تئاتر دکارتی
۶۷	آگاهی فرامفهومی

پیشگفتار

نقد متون مقدس با ظهور فلسفه مادی گری و عصر روشنگری در اروپا آغاز گردید و در این میان موضوع وحی و مکاشفه و الهام از دایره توجه دانشمندان علوم خارج گردید و با ظهور نظریات فیلسوفانی چون شلایرماخر موضوع وحی به عنوان یک تجربه دینی به کانون مباحث فلسفی وارد گردید و اگر فلاسفه ای چون دکارت به دو عالم جسمانی و روحانی در دو قلمرو جداگانه اعتقاد داشتند در عصر کنونی اعتقاد به عالم ماوراء الطبیعه و مجردات روحانی به کلی کنار گذاشته شد و به وحی تنها به عنوان یک تجربه شخصی که در ناحیه راست مغز روی می دهد نگاه گردید. نگاه مادی به پدیده وحی سبب گردید تا دین و تعالیم الهی آن به پدیده هایی ذهنی و مرتبط با ساختار مغزی پیامبران تنزل پیدا کند و نتیجه این تفکر این بود که تعالیم دینی نتیجه انتقال از دایره آگاهیهای مفهومی به آگاهیهای فرامفهومی می باشد و پیامبران نیز با انجام مراقبات یا همان مدیتیشن به این نوع آگاهیها دست یافته اند. این نوع نگرش به دلیل سبب می شود که در وهله اول وحی را کلام واقعی خداوند ندانیم، بلکه آن را سخنان پیامبر از تجربه دینی بدانیم و این سخنان بیانگر حقایقی نیستند که بر شخص پیامبر نازل شده باشند، بلکه تعبیری از یک شهود به زبان استعاری می باشند. در این رساله مختصر به دیدگاه اسلام در مورد وحی و مکاشفه و نیز نقد نظریه نواندیشان دینی درباره رؤیای رسولانه می پردازیم و نشان خواهیم داد که این نظریه چندان که ادعا می شود جدید نیست، بلکه متکلمانی چون ابو حامد غزالی نیز در کتاب تهافت الفلاسفه خود به نقد وحی به عنوان رؤیای رسولانه پرداخته اند. نواندیشان دینی در ایران به تازگی به یافته های عصب شناسان در تبیین تجربه دینی تمسک می جویند و باید دانست که بسیاری از عصب شناسان تجارب دینی را نه یک

ارزش معنوی، بلکه نتیجه یک اختلال عصبی در بخشی از مغز می دانند که گاهی این اختلالات به بیماریهایی چون صرع و اسکیزوفرنی نیز منجر می گردد. در فلسفه مادی گرایانه و تقلیل یافته عصب شناسان نمی توان اثری از ماوراء الطبیعه و عالم روحانی و مجردات پیدا نمود و البته برخی از آنان نیز با نگاه معتدل تری به موضوعات الهیاتی نگرسته و دایره تحقیق خود را عالم جسمانی و نه روحانی و قلمرو علوم طبیعی را نیز خارج از قلمرو عوالم غیر مادی و مجردات دانسته اند و در حقیقت عوالم روحانی را نیز نفی نمی کنند. نواندیشان دینی نیز به دو گونه می باشند، برخی با استفاده از تجارب عرفانی تنها به وحی به عنوان یک تجربه دینی می نگرند و با قبول نمودن عالم مجردات با استناد به میراث عرفانی همه مکاشفات و الهامات و حتی وحی را به تجربه دینی شخص تنزل می دهند و برخی دیگر همچون عصب شناسان مادی گرا آن تجارب را نتیجه انتقال پردازش ذهن از ناحیه چپ به راست مغز می دانند و البته چنین تجاربی را برای رشد و تعالی معنوی انسان مفید دانسته اند.

در مقاله ای تحت عنوان: "چگونه الهیات به عصب شناسی الهیات می نگرد؟" که در نشریه فلسفه آکادمی علوم بلغارستان جلد هفتم، شماره ۲ سال ۲۰۱۵ منتشر شد^۱ به دیدگاه متکلمان الهی در خصوص تحولات عصبی مغز در هنگام تجربه دینی اشاره کرده و نظریه جدیدی را بر اساس منابع دینی یعنی قرآن و روایات در تفکیک تجربه دینی اصیل از غیر اصیل اشاره نموده ام. به نظر می رسد اگر چالشهای فکری عصب شناسان در عصر کنونی مطرح نمی گردید هرگز به فکر تجدید حیات کلام و نقد دیدگاه عصب

^۱ Ziaee, Ali Akbar, How Theology Looks at Neurotheology, *Balkan Journal of Philosophy*, 7(2):195-20.

شناسان نسبت به تجربه دینی نمی‌افتادیم و البته راه زیادی را در پیش داریم و باید مقالات و کتابهای بسیاری توسط اندیشمندان و متکلمان الهی در تبیین ابعاد مادی و معنوی تجربه دینی نگاشته شود و جای کرسی درس عصب شناسی الهیات در دانشگاههای کشورمان نیز خالی است و باید در این زمینه بین حوزه های علمیه که کانون فکری جهان اسلام می باشند و مراکز دانشگاهی که مطالعات عصب شناسی در آنجا صورت می گیرد همکاری فعالی صورت پذیرد تا عصب شناس الهیات به دام مادیگری و نفی عالم ماوراء الطبیعه نیفتد و عالم دینی نیز بدون شناخت کافی از دستاوردهای علمی عصب شناسان به دیده انکار و نفی به این دانش نوین ننگرد و در یک همکاری علمی بتوان بسیاری از افراد با اختلالات عصبی را مورد مداوا قرار داد و در نتیجه اختلالات عصبی در مضامین دینی و عرفانی و معنوی به شکل پزشکی بالینی با مشاورت علمای دینی مورد مداوا قرار گیرند.

در این اثر همچنین به دیدگاه عصب شناسان درباره تجربه دینی و دیدگاه عرفا و فلاسفه اسلامی در خصوص وحی و الهام اشاره شده است. سخنانی که از نواندیشان دینی در خصوص وحی در این اثر آورده شده، در یک فایل ویدیویی به عنوان «تجربه وحیانی» در فضای مجازی منتشر شده است. از آنجایی که بحث تجربه دینی تاکنون در ادبیات دینی کشورمان سابقه طولانی ندارد امیدوارم این رساله مختصر بتواند تا حدودی این نقصان را جبران نماید. در خاتمه از زحمات همسر مهربانم خانم زهرا کدخدا مرزجی جهت ویراستاری این اثر و نیز شکیبایی او در انجام این مهم سپاسگزاری می نمایم.

علی اکبر ضیائی

تیر ۱۴۰۰